



اقتصاد دانش بنیان به چه معناست؟

طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می گیرند.

در اقتصاد دانش بنیان، دانش منبع اصلی توسعه اقتصادی به شمار آمده و سایر عوامل سنتی تولید مانند زمین، نیروی کار و سرمایه در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارند. به طور مجمل می توان این گونه بیان نمود که:

"اقتصاد دانش بنیان یعنی توانایی تبدیل دانش به ثروت"

پیشرفت و توسعه اقتصاد دانش بنیان در کشور با ابزارهای امروزی و الگوهای کلیشه ای حاصل نخواهد شد بلکه نیازمند جهت گیری و مدیریت دانش بنیان است. ایران در میان تمامی اقتصادهای دنیا در شاخص اقتصاد دانش بنیان حائز رتبه ۹۴ است که جایگاهی نامناسب می باشد و نشان دهنده این است که مدیریت اقتصادی کشور، مدیریتی مبتنی بر دانش نیست.

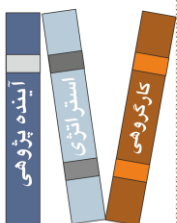
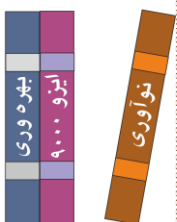
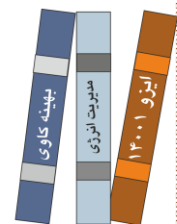
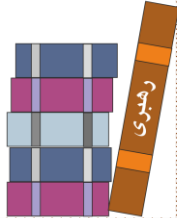
آیا هر دانشی که تولید می شود قدرت اضافه کردن ارزش بیشتری به جامعه را دارد؟ طبیعتاً پاسخ این سؤال منفی خواهد بود به این دلیل که، تولید دانشی می تواند جوامع را به سوی رشد و توسعه هدایت کند که از کیفیت لازم برخوردار باشد و به معنای حقیقی بتوان نام دانش را بر آن نهاد.

اگرچه ادعا می شود که ما در تولید علم جایگاه بالایی داریم اما تاثیر این جایگاه بالای علمی در زندگی، صنعت و تولید را کمتر شاهد هستیم.

مدیریت دانش و اقتصاد دانش بنیان

تحقق اقتصاد دانش بنیان نیاز به فعالیت های دانش بنیان دارد و بدون اجرای برنامه های مدیریت دانش، اقتصاد دانش بنیان محقق نخواهد شد.

مدیریت دانش فرایندی نظام مند و سازمان یافته برای کسب، سازماندهی و انتقال دانش ضمنی و آشکار کارکنان است، به گونه ای که دیگر کارکنان بتوانند از آن استفاده کنند



تا در انجام فعالیت هایشان مؤثرتر و بهره ورتر باشند. حجم و چگونگی رابطه فرایندهای مدیریت دانش با یکدیگر، متمایزکننده ی اقتصادهای مدرن از اقتصادهای سنتی است.

بکارگیری دانش در زمینه‌های مختلف اگرچه در نگاه اول کار ساده‌ای به نظر می‌رسد، اما با توجه به حجم انبوه دانش تولید شده در عصر حاضر، استفاده از این حجم دانش نیازمند برخورداری از تخصص های ویژه نظیر مدیریت دانش است.

افراد متخصص در مدیریت دانش به سازمان‌ها در چگونگی بکارگیری و توسعه‌ی فعالیت‌هایشان بر مبنای دانش کمک می‌کنند و از این طریق بهره‌وری بیشتری را برای سازمان رقم می‌زنند.

بطور خلاصه، نکات اصلی تعامل مدیریت دانش با اقتصاد دانش‌بنیان را می‌توان در موارد زیر یافت:

هر کشور که در پی توسعه یک اقتصاد دانش‌بنیان است باید پشتیبان کسب و کار در مدیریت دانش باشد. "سازمان‌ها باید چگونگی یاد گرفتن را بیاموزند" و البته می‌باید در راه تبدیل شدن به سازمان‌های یادگیرنده توسط دولت حمایت شوند.

نکته دوم به تمرکز بر حوزه‌های کلیدی دانش و توسعه خوشه‌هایی با موضوعات خاص دانشی و راه‌اندازی و توسعه "شهرهای دانش‌بنیان"، "شرکت‌های دانش‌بنیان" و "مناطق دانش‌بنیان" اختصاص دارد.

دانشگاه‌ها باید بخش قابل توجهی از درآمدشان را از محل فروش دانشی که خود به دست آورده‌اند، تامین کنند. بخشی نیز از طریق آنچه آن‌ها "انتقال تکنولوژی" می‌نامند به دست می‌آید که در واقع حمایت از تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی است.

نکته چهارم تسهیل‌سازی دولت جهت شبکه‌سازی است. شبکه‌ها نقاطی هستند که دانش در آنجا به اشتراک گذاشته شده و تولید می‌شود و دولت باید سازمان‌ها را به خروج از انزوا ترغیب کرده و آن‌ها را به سمت فضای شبکه‌ای چهره به چهره (Face to Face) از طریق کارگاه‌های آموزشی، کنفرانس‌ها، پژوهشکده‌ها، کافه‌های عمومی و ... سوق دهد.

و سرانجام نکته آخر ارزش‌آفرینی از سرمایه‌های فکری و ایجاد ارزش‌افزوده از مصادیق دارایی‌های فکری است.

